

در تاریخ منبع قابل توجهی که نشان دهد عمر بن سعد با خواهر مختار ازدواج کرده دیده نمی‌شود. در اصدق الاخبار آمده است که محمد حنفیه از این که مختار به عمر سعد امان داده، ناراحت می‌شود. مختار هم کیان را پیش عمر می‌فرستد. کیان به عمر می‌گوید مختار تو را می‌خواهد و به محض این که عمر تصمیم به فرار می‌گیرد، کیان او را می‌کشد



شبت بن ربیع: مظفر مقدم

شبت بن ربیع از جمله شخصیت‌هایی است که با وجود رنگ عوض کردن‌های گاه و بی‌گاه و قابلیت‌های دراماتیک شخصیتش، شهرت نسبتاً کمی در بین مردم دارد و شاید همین مساله به میرباقری این اجازه

را داده که سرنوشتی بسیار متفاوت با واقعیت برایش رقم بزند! آن طور که در سریال می‌بینیم، شبت که به سپاه آل زبیر پیوسته، در جنگ حرورا توسط نیروهای خودی و ابن حرکشته می‌شود. در اسناد تاریخی اما این طور نیست و شبت از جنگ حرورا جان سالم به‌در می‌برد و پس از کشته شدن مختار نیز در کوفه حضور دارد. او در نهایت ۱۳ سال پس از این اتفاقات در ۸۰ سالگی و به مرگ طبیعی می‌میرد.



«مختارنامه» تا چه حد به تاریخ وفادار مانده است؟

تاریخ در خدمت درام

از همان زمانی که مختارنامه جمعه شب‌هایمان را قرق کرده بود و کمتر خانه‌ای در ایران پیدا می‌شد که تلویزیون آن از ساعت ۲۲ روی شبکه یک نباشد، حرف و حدیث‌هایی درباره سندیت تاریخی ماجراهای جذاب سریال پرکشش داود میرباقری ایجاد شد. مختارنامه از مهم‌ترین آثار تاریخی - مذهبی تلویزیون به حساب می‌آید و تعداد مخاطبان و تعداد دفعات پخش آن که به سوزۀ کاربران مجازی تبدیل شده، این را به خوبی نشان می‌دهد. اما با این حال، برخی مورخان نسبت به تطابق جزء به جزء آن با تاریخ تردید دارند و به نظر می‌رسد میرباقری در بسیاری از موارد با عبور از مستندات تاریخی، روایتی را بیان کرده که دراماتیک‌تر و جذاب‌تر باشد. در این گزارش سرنوشت تعدادی از شخصیت‌های تاریخ اسلام را با سرنوشتی که در سریال از آنها به نمایش در آمد، مقایسه می‌کنیم.

محمد وفايي

خبرنگار

مختار ثقفی: فربرز عرب‌نیا

حالا پس از پخش سریال، تصویری که از مختار در ذهن مردم شکل گرفته همان شمایل است که سریال به نمایش گذاشته، اما به گواه تاریخ، مختار شخصیتی يك سر سفید و مثبت نبوده و اشتباهاتی نیز داشته است؛ تا جایی که در برخی منابع جملاتی منسوب به امام سجاد(ع) آمده که فرموده: «مختار به ما نسبت دروغ داده است و چنین گمان کرده که به او در مورد امامت سفارش شده است.» البته در کنار اینها، مواردی از ابراز رضایت امام(ع) نسبت به انتقام گرفتن از جنایتکاران واقعه عاشورا نیز دیده می‌شود، به‌ویژه در ماجرای به هلاکت رسیدن ابن زیاد و حرمه که نقش عمده‌ای در ایجاد مصائب برای اهل بیت(ع) داشته‌اند. ماجرای کشته شدن مختار هم در واقعیت متفاوت با چیزی بوده که در سریال دیدیم. در واقعیت، مختار برای گریز از حمله دشمن، راه يك کوچه را در پیش می‌گیرد که برای اسبش تله می‌گذارند و به زمین می‌خورد. بعد دو برادر به اسم طارق و طریق او را می‌کشند؛ در حالی که در سریال، کشته شدن مختار به شکلی قهرمان‌گونه و در مسجد کوفه به نمایش درآمده است.



عمر بن سعد: مهدی فخیم‌زاده

عمر بن سعد هم تطابق چندانی با آنچه در سریال دیده شد، ندارد. اولاً منبع قابل توجهی که نشان دهد او با مختار نسبت فامیلی داشته و با خواهر او ازدواج کرده باشد، دیده نمی‌شود. سرنوشت او هم با سرنوشتی که در سریال دیدیم تفاوت دارد. در اصدق الاخبار آمده است که محمد حنفیه از این که مختار به عمر سعد امان داده، ناراحت می‌شود. مختار هم کیان را پیش عمر می‌فرستد. کیان به عمر می‌گوید مختار تو را می‌خواهد و به محض این که عمر تصمیم به فرار می‌گیرد، کیان او را می‌کشد و سرش را برای مختار می‌آورد. مختار به پسر عمر سعد می‌گوید این سر را می‌شناسی؟ حصص می‌گوید بله می‌شناسم، بعد از او زندگی معنا ندارد. سپس مختار دستور می‌دهد او را بکشند. در روایت سریال مختارنامه اما ماجرا متفاوت است. ابن سعد از ترس انتقام مختار زنش را در خانه حبس کرد و با پسرش فرار کرد. بعد پشیمان شد و به خانه برگشت. در همین حین با بن کامل در خانه‌اش درگیر شد و در جریان این درگیری از پشت بام سقوط کرد و کشته شد. وقتی سرش را برای مختار آوردند، حصص به مختار بی‌احترامی کرد و مادر حصص که در سریال خواهر مختار بود، او را با شمشیر به قتل رساند.



ابراهیم بن مالک: حسن میرباقری

ابراهیم فرزند مالک اشتر نخعی هم از جمله شخصیت‌هایی بود که سرنوشتی متفاوت با آنچه در سریال به نمایش درآمد، برایش رقم خورد. مشکل اصلی سریال درباره این شخصیت، ترسیم وجه اسطوره‌ای و کاملاً مثبت از او بود، در حالی که ابراهیم بن مالک در موقعیتی حساس از دستور مختار سرپیچی کرد و شرایط برای مختار سخت و سخت‌تر شد. در قسمت پایانی سریال، ثابت پسر مختار و زانده پسرعموی او، خبر کشته شدن مختار را به ابراهیم و سپاهش که در راه موصل به کوفه است، می‌دهند و ابراهیم غش می‌کند؛ در حالی که براساس روایت تاریخ طبری و مروج الذهب، ابراهیم در موصل بوده که خبر مرگ مختار را شنیده است. چندی بعد مصعب بن زبیر برای ابراهیم نامه می‌نویسد و او را به تبعیت از خود می‌خواند، ابراهیم هم قبول می‌کند و با سفر به کوفه، با مصعب بیعت می‌کند و در سپاه آل زبیر علیه بنی‌امیه می‌جنگد و کشته می‌شود. در پایان سریال اما مشخص نیست سپاه بزرگ ابراهیم بن مالک به کجا می‌رود و دقیقاً مشغول چه کاری است.



شمر بن ذی‌الجوشن: محمد فیلی

روایت تاریخ طبری از کشته شدن شمر این است که وقتی شمر از کوفه فرار می‌کند، زبیری غلام مختار او را تعقیب می‌کند، اما توسط شمر کشته می‌شود. شمر به روستای کلتانیه فرار می‌کند، اما در آنجا لو می‌رود و ماموران مختار، شب او را محاصره می‌کنند. چند ساعت درگیری رخ می‌دهد و پس از آن صدای ماموران شنیده می‌شود که خدا خیبت را کشت. روایت اخبار الطوال کمی فرق می‌کند. مختار مامورانی را به فرماندهی احمر بن سلیط به دنبال شمر می‌فرستد. آنها با شمر درگیری می‌شوند و او را می‌کشند و سرش را برای مختار می‌فرستند. مختار هم سر شمر را برای محمد حنفیه به مدینه می‌فرستد. در کتاب دارالامالی شیخ طوسی هم آمده که کیان با شمر می‌جنگد، او را زخمی می‌کند و پیش مختار می‌فرستد. سپس مختار، گردن او را می‌زند و بدنش را در دیگ روغن جوشان می‌اندازد. چیزی که میرباقری در مختارنامه نشان داد این بود که شمر در گله گوسفندان در حال فرار به کوفه است. ماموران ایرانی مختار، او را گیر می‌آورند و کیان، شمر را می‌کشد.



حرمه بن کاهل اسدی: انوش معظمی

حرمه به دلیل این که قاتل حضرت علی اصغر(ع) و حضرت عبدالمطلب... بن حسن(ع) بوده و در شهادت حضرت عباس(ع) نیز نقش داشته، دارای موقعیت ویژه‌ای در واقعه کربلاست و از همین جهت تصویری که از او در سریال به نمایش در می‌آید نیز اهمیت می‌یابد. بیشترین انتقادات به مغایرت‌های تاریخی سریال هم در نحوه پرداختن به شخصیت حرمه بود. آن طور که در کتاب الامالی شیخ طوسی آمده، حرمه را در کوفه دستگیر می‌کنند و مختار در میدان کناسه فرمان اعدام او را صادر می‌کند. دست و پایش را قطع می‌کنند و جسدش را می‌سوزانند. اما چیزی که در سریال دیدیم، تفاوت‌های فاحشی با روایات تاریخی داشت. حرمه در سریال يك شخصیت پیچیده و يك تیرانداز قهار با خانه‌ای مجهز و مخفیگاهی خارج از شهر است که از دست ابن کامل، شهریان کوفه می‌گریزد و همسر و فرزند کیان را هم به قتل می‌رساند. در پایان کار هم در حالی که دچار مشکلات روانی شده، شبیه فیلم‌های اکشن با مختار دوئل خنجر می‌کند و به قتل می‌رسد. در واقع در این صحنه فقط جای موسیقی انیمو موری‌گونه خالی است!



سنان بن انس: رضا خندان

درباره مرگ سنان چند روایت وجود دارد. در لهوف ذکر شده که ماموران مختار، سنان را در بصره دستگیر می‌کنند و پس از ویران کردن خانه و جدا کردن بندهای انگشتانش از هم، دست و پایش را می‌برند و او را در دیگ جوشان روغن زیتون می‌اندازند که البته از میرباقری برای نمایش ندادن این روایت سپاسگزاریم. در نفس المهموم نوشته‌اند، ماموران مختار نتوانستند او را پیدا کنند و فقط خانه‌اش را ویران کردند. روایت سوم به حکایت المختار اختصاص دارد که آنجا آمده، سنان به شام فرار می‌کند و در سپاه ابن زیاد حضور می‌یابد. سپس در جنگ با ابراهیم بن مالک دستگیر می‌شود و ابراهیم بعد از شنیدن شرح جنایتش، او را می‌کشد. در سریال دیدیم که سنان در راه فرار در روستا ماند تا شب را با همسر موقتش بگذرانند. صبح کیان وارد روستا شد و قبل از این که سنان بخواهد فرار کند، او را کشت.



خولی بن یزید اصبحی: صدرالدین حجازی

تاریخ طبری درباره مرگ خولی نوشته، کیان وارد خانه‌اش می‌شود و با کمک همسرش، او را از درون مستراح بیرون می‌کشد. سپس مختار شخصاً به خانه خولی می‌آید و دستور می‌دهد جلوی خانه‌اش او را به قتل برسانند و جسدش را بسوزانند؛ طوری که جز خاکستر چیزی از او باقی نمی‌ماند. اما در سریال مختارنامه، بن کامل به خانه خولی می‌رود و او را در سوراخ دودکش پیدا می‌کند و تحویل مختار می‌دهد. مختار هم بعد از شنیدن حرف‌های او و دو همسرش دستور می‌دهد گردنش را بزنند.

